

اندیشه و عمل سیاسی سید جمال‌الدین اسدآبادی در چالش با حکومت ناصری

علی‌رضا علی‌صوفی^۱

عباس زارعی مهرورز^۲

چکیده: اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی در پیوند با عمل سیاسی در شرایط حساس تاریخی عهد ناصری در عرصه تحولات سیاسی ایران مؤثر بود. آراء و عقاید سیاسی او، به ویژه در مبارزه با استبداد و استعمار، انتزاعی نبوده و از عملکرد سیاسی وی تأثیر پذیرفته است. به همین دلیل، می‌توان او را «اندیشمندی عمل‌گرا» نامید. نادیده‌گرفتن این موضوع موجب گردیده که برخی پژوهندگان اندیشه و عمل او را در تناقض با یکدیگر تلقی کنند و حشر و نشر او با درباریان و اشخاص صاحب نفوذ را دلیلی بر انحراف اندیشه‌هایش بدانند. با توجه به فرایند سیر مبارزاتی و پیوستگی اندیشه و عمل او در ایران، می‌توان گفت اندیشه‌های سید جمال دو مرحله مشخص را پیموده است: نخست، مرحله پند و اندرز سیاسی به درباریان و بزرگان ایران؛ سپس مرحله فشار از بیرون حاکمیت و اندیشه و عمل انقلابی. نگارندگان در این پژوهش به بررسی دو دیدگاه متفاوت سیاسی و شیوه مبارزات سید جمال پرداخته‌اند.

واژه‌های کلیدی: ایران، عصر ناصری، استبداد، استعمار، سید جمال‌الدین اسدآبادی

۱ استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور، دکتر در تاریخ ایران دوره اسلامی ar.soufi@yahoo.com
۲ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا، دکتر در تاریخ ایران دوره اسلامی amehrvarz@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۱۳، تاریخ تأیید: ۹۱/۴/۲۷

Sayyed Jamal-al-Din's political Thought and Act in Challenging with the Naserid Government

Ali Reza Alisoufi¹

Abbas Zareei Mehrvarz²

Abstract: Sayyed Jamal al-Din Assad-abadi entered Iranian political arena in a crucial circumstances. Monitoring Iranian historical events, specially Tobacco Movement, his political practice and thought were formed interactively. Therefore his political thought and views related to despotism have not been expressed conceptually rather they have stemmed from his political performance. As a result, we can consider him as a practical thinker. This paper has considered his political and social thoughts distinctively, which can not be analyzed and understood without taking historical bases of his ideas in to consideration. On the other hand, neglecting this issue has made some researchers come to conclusion that sayyed Jamal's ideas are contradictory and his negotiation with the governors considered as diversified. The writer of this paper believes that sayyed Jamal's thoughts have passed in two definite stages: In the first phase, he believed that, one can make the desired reforms in the society by giving advice to the governors. In this period, his ideas in the Tabbacco Movement which led to his exile, he was convinced that giving advice is not a good means to make reforms. The climax of this conversion, came when he was spending the last moments of this life being patient saying if only he had planted his thoughts in the fertile common people rather than uselessly advising the governors.

In this study, the writers hope to shed some light on the ambiguities stemming from the two different political views and the struggling practice of Sayyed Jamal-al-Din.

Keywords: Iran, the Nasserid Age, Despotism, Colonialism, Sayyed Jamal al-Din- Assad-abadi

1 Assistant Professor of History Payam-eNoor University, Hamedan Province ar.soufi@yahoo.com

2 Assistant Professor of Social Sciences Bu Ali Sina University, Faculty of Eonomy and Social Sciences amehrvarz@gmail.com

پیشینه پژوهش

درباره سید جمال‌الدین و اندیشه و اقدام‌های او، از همان روزگار سید جمال تا کنون، کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری نگاشته شده، که البته باید اذعان کرد بسیاری از آن‌ها به شیوه پژوهشی نوشته نشده است. در اینجا نگارندگان قصد بررسی همه این آثار را ندارند. به طور کلی، برخی از آن‌ها شامل اسناد نویافته در باره اوست؛ مانند نامه‌ها و اسناد سیاسی-تاریخی، به کوشش هادی خسروشاهی؛ مجموعه اسناد و مدارک چاپ نشده در باره سید جمال‌الدین، به کوشش اصغر مهدوی و ایرج افشار، که منابع دست اول و باارزشی برای پژوهش‌های جدید به شمار می‌روند. برخی آثار نیز پژوهش درباره جنبه‌های گوناگون شخصیت و اندیشه اوست. از این دست است کتاب‌های: مجموعه مقالات سید جمال‌الدین اسدآبادی، تألیف داریوش رحمانیان؛ بخشی از کتاب تاریخ تفکر سیاسی در دوره قاجار؛ همچنین تاریخ علت شناسی انحطاط و عقب‌ماندگی ایرانیان و مسلمین. اما باید گفت هیچ کدام از کتاب‌های مذکور، به طور خاص به شیوه رویارویی سید جمال با حکومت ناصری نپرداخته است. به عبارت دیگر، با وجود کثرت آثار، سیر اندیشه و عمل سیاسی او در مبارزات که در تعامل با یکدیگر بود، مورد بررسی قرار نگرفته است.^۱

طرح مسئله

درباره دیدگاه‌های سیاسی و اندیشه‌های فلسفی و دینی سید جمال‌الدین اسدآبادی، یکی از بزرگترین متفکران جهان اسلام، تاکنون مباحث و نظرات متعددی بیان شده است. او افکار و عقاید خویش را به شیوه‌های مختلف و در شرایطی مطرح می‌نمود که جهان اسلام اسیر استعمار خارجی و استبداد داخلی شده بود و برای برون‌رفت از این وضعیت، بیش از هر زمان دیگری به وحدت سیاسی و مذهبی نیاز داشت. او را بایستی نخستین اندیشمند جهان اسلام دانست که از اسطوره استعمار و لزوم مبارزه آگاهانه با آن سخن گفت.^۲ بنابراین، اندیشه

۱ برای کتاب‌شناسی نسبتاً جامع در این باره، رک:

Nikki R. Keddie (1983), "Sayyid Jamal al-Din al-Afghani: A Bibliography", Los Angeles: University of California, Los Angeles;
[http://www.academicroom.com/bibliography\(2012\)/sayyid-jamal-al-din-al-afghani-bibliography](http://www.academicroom.com/bibliography(2012)/sayyid-jamal-al-din-al-afghani-bibliography).

و همچنین،

Homa Pakdaman (1969), *Djamal-ed-Din Assad Abadi dit Afghani*, Paris: G.-P. Maisonneuve et Larose.
 ۲ داریوش رحمانیان (۱۳۸۸)، «سید جمال و استعمار»، سید جمال‌الدین اسدآبادی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ص ۳۴.

اتحاد دنیای اسلام او^۱ واکنشی بود برای مقابله با استعمار خارجی، به ویژه دولت انگلستان که بخش وسیعی از جهان اسلام را به زیر سیطره خود درآورده بود. با وجود این، اقدام‌های عملی سیدجمال در عرصه سیاسی، با سفر به سرزمین‌های مختلف اسلامی و تأمل بیشتر در اوضاع فلاکت‌بار این کشورها، اندیشه سیاسی‌اش را به مبارزه با استبداد، بیدارگری و آگاهی‌دهی به مسلمانان و یافتن علل و عوامل ترقی و انحطاط آنان سوق داد. در این سفرها سید جمال استبداد حکومتی را، واقعیت تلخ جهان اسلام و مانع عمده در راه بیداری اسلامی و ترقی و تعالی کشورهای مسلمان شناخت که بدون رها شدن از آن، مبارزه با نفوذ استعمارگران بی‌فایده می‌نمود.^۲ همین تجربه‌ها و مشاهده‌ها بود که تغییرهایی در رویکردهای سیاسی و مبارزاتی سید جمال در عرصه نظر و عمل به وجود آورد.

در خصوص مسئله ایران نیز که موضوع اصلی بحث نگارندگان در این مقاله است، سید جمال‌الدین دو بار به دعوت ناصرالدین شاه به ایران آمد و در هر دو بار به واقعیت‌های مهم تحولات سیاسی ایران پی برد. در آخرین بار حضورش و در اثنای نهضت تنباکو، به دلیل جهت‌گیری‌های سیاسی خود و تقابلی که با دربار و شخص ناصرالدین شاه پیدا کرد، به طرز اسفباری از ایران اخراج شد،^۳ اما این امر مانع حضور فعال او در مبارزه علیه امتیاز تنباکو نشد.

سید جمال در خصوص مبارزه با استبداد و استعمار در ایران و از جنبه نظری، به روشنگری می‌پرداخت، به گونه‌ای که در این راه از رهبران فکری و تأثیرگذار در جنبش تجدد و ترقی‌خواهی ایران محسوب می‌شد.^۴ از این رو، او را می‌توان پایه‌گذار عقلانیت فلسفی نو در مبارزه با استعمار دانست.^۵ از لحاظ عملی نیز می‌توان او را یکی از عمل‌گراترین افراد در دنیای

۱ در باره ماهیت اندیشه اتحاد اسلام، رک: داریوش رحمانیان (۱۳۸۸)، *تاریخ تفکر سیاسی در دوره قاجاریه*، تهران: انتشارات پیام نور، ص ۹۵.

۲ در این باره رک: عباس زارعی مهرورز (۱۳۸۸)، «سید جمال‌الدین اسدآبادی و نهضت بیداری فکری اسلامی»، *آرا و اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی*، به کوشش بهرام نوازنی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، صص ۲۵۳-۲۷۲.

۳ درباره شیوه اسف بار اخراج او، رک: سید حسن تقی‌زاده، سدیدالسلطنه (تکمله) (۱۳۴۸)، *سید جمال‌الدین اسدآبادی*، معروف به *افغانی*، تبریز: انتشارات سروش، صص ۳۲-۳۳؛ مرتضی مدرس (۱۳۵۳)، *سید جمال‌الدین و اندیشه‌های او*، تهران: انتشارات پرستو، صص ۱۹۴-۱۹۸.

۴ مقایسه شود با عباس میلانی (۱۳۸۷)، *تجدد و تجددستیزی در ایران*، تهران: انتشارات آتیه، که به طور مفصل به مباحث مربوط به تجدد پرداخته است.

۵ رحمانیان (۱۳۸۸)، ص ۹۳.

آن روز به شمار آورد. بنابر این، از آن جهت که معمولاً در جنبش‌های سیاسی و اجتماعی بین رهبران سیاسی و نظریه‌پردازان فکری مرزبندی مشخصی وجود دارد، بررسی این موضوع از اهمیت بسزایی برخوردار است. از این رو، آنچه شخصیت سیاسی و اندیشه‌ی سید جمال‌الدین را برجسته می‌کند، جمع شدن این دو مقوله در وجود او بود. به همین دلیل، اندیشه‌های سید جمال از واقعیت‌های سیاسی و تحولات موجود تأثیر زیادی پذیرفت و با عبور از اندیشه‌های قالبی و آرمان‌گرایی صرف، در راستای عمل‌گرایی، دچار فراز و نشیب شد و آرمان و واقعیت به نقطه‌ی مشترکی رسید. در واقع، سید جمال در طی یک دوره‌ی مبارزاتی و به ویژه تجربه‌هایی که در ایران کسب نمود، به‌اندیشه‌های مهمی دست یافت. احتمالاً اگر او صرفاً به‌اندیشه‌ورزی و نظریه‌پردازی در این زمینه اکتفا می‌کرد و وارد میدان مبارزه‌ی عملی با حکامی همچون ناصرالدین شاه نمی‌شد، تضادها و تعارض‌های کمتری در اندیشه‌های سیاسی او به چشم می‌خورد. او، برخلاف روشنفکران سیاسی عصر ناصری، تنها به نوشتن چند رساله‌ی سیاسی در لزوم اصلاح ساختار سیاسی و ضرورت حاکمیت قانون بسنده نکرد و آمد و شد به دربارهای حکام و گفت و شنود با رجال سیاسی و اشخاص متنفذ را نیز آزمود؛ عاملی که باعث گردید اندیشه‌های سیاسی او مورد قضاوت‌های متناقض قرار گیرد و شخصیت فکری و سیاسی وی در هاله‌ای از ابهام باقی بماند. در این مقاله، دلیل‌های گزینش این شیوه‌ی مبارزه توسط سیدجمال‌الدین، در تقابل با درباریان و استبداد ناصرالدین شاه و گرایش‌هایی او به سوی مردم و همچنین تأثیر عمل‌گرایی‌اش بر پویایی و تحول اندیشه‌ی وی در باره‌ی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. به گمان نگارندگان، روشن شدن این جنبه‌ها سبب رفع ابهام دوگانگی شخصیت سید جمال خواهد شد.

شرایط سیاسی ایران در آستانه‌ی ورود سید جمال‌الدین

ایران در دوره‌ی ناصرالدین شاه در شرایط حساس و سرنوشت‌سازی قرار داشت: در بعد مناسبات خارجی، دو قدرت استعمارگر - روسیه و انگلستان - در حوزه‌ی اقتصادی ایران رقابت‌های جدیدی آغاز کرده و آن را در کانون کشمکش‌های خود قرار داده بودند. در این زمینه لرد کرزن چنین نوشته است: «ورود پی در پی سفیران اروپایی به دربار تهران خود حاکی است که دیگر ایران فقط یک دولت آسیایی نیست، بلکه مهره شطرنج در سیاست جهانی است».^۱ شاید

۱ لردن کرزن (۱۳۷۳)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه‌ی غلام علی وحید مازندرانی، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۷۴۵.

کرزن به منظور کم‌رنگ نشان دادن دخالت‌های گوناگون دولت انگلستان، عبارت «سفیران اروپایی» را به میان آورده؛ در صورتی که در آن دوره سرنوشت سیاسی و اقتصادی ایران در دست دو دولت انگلیس و روس افتاده بود و سفارت‌خانه‌های این دو کشور آن‌چنان بر مقدرات کشور حاکم شده بودند که ناصرالدین شاه ضمن یادداشتی نگرانی خود را از این که سفارت روس و انگلیس این همه در «کارهای ما مداخله می‌کنند»، به صدر اعظم وقت اظهار نمود.^۱ در این بازی سرنوشت‌ساز هر دو قدرت می‌کوشیدند حریف را از میدان سیاست ایران بیرون کنند.^۲ مستوفی، ضمن این که رقابت‌های روسیه و انگلستان را در عصر ناصرالدین شاه جنگ زرگری قلمداد کرده، معتقد است بی‌درایتی امین‌السلطان بر دامنه این رقابت‌ها می‌افزود و ناصرالدین شاه بیهوده می‌کوشید خود را از نفوذ و دخالت این دو قدرت رها سازد.^۳ در عرصه تحولات داخلی، ورود اندیشه‌های جدید در ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه ایران تغییرهایی به وجود آورد و جنبش اصلاحات را در ابعاد مختلف جان تازه‌ای بخشید. این جنبش اصلاحات ادامه کوشش‌هایی بود که به دست عباس‌میرزا آغاز شد و با اصلاحات میرزا تقی‌خان امیرکبیر ابعاد گسترده‌تری یافت. این مرحله از کوشش‌های اصلاح‌طلبانه، در فاصله سال‌های ۱۲۷۵-۱۲۷۸ ه‍.ق/۱۸۵۸-۱۸۶۱ م، بیانگر شرایط حساس و پیچیده‌ای بود که جامعه ایران در دوره سید جمال‌الدین سپری می‌نمود. این دوره از اصلاحات درون حکومتی را ناصرالدین شاه شخصاً رهبری می‌کرد تا بلکه از این رهگذر تا حدودی از فشارهای آزادی-خواهانه‌ای که با انتشار روزنامه‌های متعدد داخلی و خارجی رو به افزایش گذاشته بود، بکاهد. در همین راستا، ناصرالدین شاه یک شورای دولتی تشکیل داد و برای نخستین بار کلیه امور بین‌المللی را بین شش وزارت‌خانه تقسیم نمود. گام اصلاح‌طلبانه دیگر حکومت، تشکیل مجلس مصلحت‌خانه بود که یک سال پس از شورای دولتی در سال ۱۲۶۷ ه‍.ق/ ۱۸۵۹ م به فرمان ناصرالدین شاه ایجاد شد. شاه خطاب به اعضای این مجلس چنین گفت: «از جهالت و بی‌تدبیری گذشتگان پرهیزید و شیوه‌ای پیش گیرید که پسند عقل باشد و موجب اصلاح امور عموم ناس گردد.»^۴

۱ مهدی‌قلی هدایت (۱۳۶۳)، *خاطرات و خطرات*، تهران: انتشارات زوار، ص ۶۴.

۲ ابراهیم تیموری (۱۳۶۳)، *عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات*، تهران: انتشارات اقبال، ص ۸۹.

۳ عبدالله مستوفی (۱۳۸۴)، *شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه از آقا محمد خان تا آخر ناصرالدین شاه)*،

ج ۱، تهران: انتشارات زوار، ص ۴۹۶.

۴ فریدون آدمیت (۱۳۵۱)، *اندیشه ترقی و حکومت قانون (عصر سپهسالار)*، تهران: انتشارات خوارزمی، ص ۶.

اما گام‌های اصلاح‌طلبانه این دوره ره به جایی نبرد و پرونده این دوره از اصلاحات که مهر پایانی بر عمر اصلاحات درون حکومتی قاجاریه نیز بود، و با خشک‌سالی و قحطی سال ۱۲۷۶ / ۱۸۶۸ همراه گردید، بسته شد. در واقع، شورش‌هایی که در پایتخت توسط مردم گرسنه به وجود آمد، مستمسکی شد تا مخالفان اصلاحات به شاه القا کنند که ریشه این آشفتگی‌ها در سیاست‌های اصلاح‌طلبانه نهفته است.^۱ آخرین تلاش‌های اصلاح‌طلبانه در دوره حکومت قاجارها در صدارت نه ساله میرزا حسین‌خان سپهسالار دنبال شد و عزل او در پی اعتراض بر سر امتیاز رویتر، به کلی اندیشه اصلاحات را از درون ساختار حکومت طرد نمود. در این باره این گفته ناصرالدین شاه معروف است که با غرور اعلام داشت: «از این پس وزیرانی می‌خواهد که ندانند آیا بروکسل نام محلی است یا نوعی کلم». ^۲ به هر حال، تجددخواهی دوران سپهسالار به تفرز از هر گونه نوخواهی مبدل شد؛ و این نقطه عطفی در جنبش اصلاحات^۳ و فصل جدیدی در مبارزات سیاسی عصر ناصری آغاز نمود تا اندیشه اصلاحات در بیرون از حاکمیت قاجارها، به دست روشنفکران و با ابزارهای سیاسی و فرهنگی - از قبیل روزنامه و انجمن‌های سیاسی - با قدرت و قوت بیشتری پی‌گیری شود. در واقع، تلاش برای استقرار حکومت قانون فصل مشترک اندیشه و عمل سیاسی روشنفکران و آزادی‌خواهانی بود که ساختار استبدادی حکومت قاجار را مانع عمده‌ای در مسیر پیشرفت و سعادت جامعه آن روز ایران تلقی می‌کردند. از این رو، تلاش این آزادی‌خواهان معطوف به اصلاحات بنیادی در ساختار سیاسی بود. در رأس این کوشش‌ها، تأسیس روزنامه قانون توسط میرزا ملکم‌خان بود که تنها در سایه استقرار حکومت قانون استخلاص ایران را از گرداب ظلمت ممکن می‌دانست.^۴ در چنین فضای سیاسی بود که سید جمال‌الدین به عرصه مسائل ایران وارد شد.

بنابر گزارش نیکی کدی، سید جمال‌الدین اسدآبادی برای نخستین بار در هند با دانش غربی آشنا شد و از نظر سیاسی نیز، به دلیل آشنایی با انقلاب اجتماعی و مذهبی مسلمانان بنگال و مرزهای شمال غربی که علیه انگلستان مشتعل شده بود، احتمالاً اندیشه‌های اصلاح‌طلبی و مبارزه با انگلستان، با تأسیس انجمن عروة الوثقی و در قالب اتحاد مذهبی و پرهیز از تفرقه

۱ همان، ص ۱۰.

۲ یرواند آبراهامیان (۱۳۸۳)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی، ص ۹۵.

۳ مستوفی، همان، ص ۴۹۰.

۴ روزنامه قانون (۱۳۶۹)، ش ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.

قومی و سیاسی، در وجود وی شکل گرفت.^۱ به همین سبب، استعمار انگلستان با بی‌صبری و دست‌پاچگی سبب اخراج وی را از ایران فراهم آورد.^۲

سید جمال از یک سو در مباحث نظری جنبش‌های فکری عصر ناصری و در میدان عملی مبارزه سیاسی در کنار کسانی که برای اصلاح امور می‌کوشیدند حضور داشت؛ و از دیگر سو به عنوان رهبری هوشمند پیوسته در تلاش بود و می‌کوشید نظرات سیاسی خود را با توجه به شرایط موجود و استفاده از روش‌های گوناگون از قوه به فعل درآورد. علی‌اصغر حلبی در این باره می‌گوید: «زندگی افغانی کاملاً با افکارش موافقت داشت در وجود او نظر و عمل از نزدیک به هم پیوسته بود از این جهت می‌توان رسالت او را در جهان اسلام با رسالت سقراط در یونان قدیم قابل مقایسه دانست، زندگی و اندیشه‌های او دارای سه مشخصه بود، روحانیتی مبتنی بر هوشمندی و باریک بینی، حس عمیق مذهبی و حس اخلاقی والا که به طور بسیار نیرومندی همه اعمال او را متأثر می‌ساخت».^۳

با وجود این، برخی نویسندگان اندیشه‌های سید جمال را مبهم و متناقض قلمداد نموده‌اند.^۴ این اظهارات ناشی از کم‌توجهی به تأثیر عمل سیاسی وی در شکل‌گیری و تطور اندیشه‌های سیاسی و تجلی آن در نوشته‌هایش است. باید گفت نه تنها تناقضی در دیدگاه‌های سیاسی سید جمال در امور مختلف از جمله مبارزه با استبداد و استعمار وجود ندارد، بلکه اندیشه‌های وی در بستر تحولات تاریخی بسیار پویا و خلاق گردیده بود و آن‌چنان نبود که تناقضی اساسی در نوشته‌ها و اندیشه‌های دوره‌های مختلف زندگی‌اش ایجاد نماید.^۵ از آنجا که سید جمال اندیشمندی عمل‌گرا به شمار می‌آمد، این تنوع و گوناگونی در تفکرات سیاسی او، به مقتضای شرایط و به منظور دستیابی به هدف‌های مورد نظرش بود. نویسندگانی که در بررسی شخصیت سید جمال صرفاً توجه خود را به عمل و مبارزه سیاسی او معطوف کرده‌اند،

1 Nikki R. Keddie (1983), *An Islamic Response to Imperialism: Political and Religious Writings of Sayyid Jamāl ad-Dīn "al-Afghānī"*, Berkeley: University of California Press, p. 12.

۲ داریوش رحمانیان (۱۳۸۲)، *تاریخ علت‌شناسی و انحطاط ایرانیان و مسلمین*، تبریز: مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی-انسانی دانشگاه تبریز، ص ۱۱۶. در باره حمایت ضمنی او از نهضت قادیان در هند، رک: حمید عنایت (۱۳۶۲)، *تفکر نوین سیاسی اسلام*، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران: انتشارات امیر کبیر، ص ۳۶.

۳ علی اصغر حلبی (۱۳۷۱)، *تاریخ نهضت‌های دینی، سیاسی معاصر، تهران: انتشارات بهبهانی*، صص ۳۵-۳۶.

۴ رک عبدالهادی حائری (۱۳۶۸)، *ایران و جهان اسلام، پژوهش‌های تاریخی پیرامون چهره‌ها، اندیشه‌ها و جنبش‌ها*، مشهد: آستان قدس رضوی، صص ۱۲۶-۱۲۷؛ همچنین، رک: کریم مجتهدی (۱۳۶۳)، *سید جمال‌الدین و تفکر جدید*، تهران: نشر تاریخ ایران، صص ۳۰-۴۷-۴۸.

۵ رحمانیان، همان، ص ۱۲۰.

اندیشه‌های سیاسی وی را سطحی و در حد یک مبلغ، روزنامه‌نگار و واعظ تنزل داده‌اند.^۱ برخی بر پایهٔ چنین نگرش‌هایی گمان کرده‌اند که او صرفاً اهل عمل و مبارزهٔ سیاسی بود و بدین منظور به دربار شاهان آمد و شد می‌کرد، تا بلکه نخبگان حکومتی را به اصلاحات ترغیب نماید و مبارزهٔ فرهنگی را برای بیدار سازی توده‌ها چندان مورد توجه قرار نمی‌داد؛ حال آن که بررسی توأمان سیر تحول اندیشه و مبارزه‌های سید جمال، از یک‌سونگری دربارهٔ شخصیت سید جمال جلوگیری می‌کند. بیهوده نیست که احمد امین در خصوص مبارزه‌های سیاسی او در مصر نیز عقیده دارد که وی در ابتدا خواهان دموکراسی پارلمانی بود، اما در اواخر که به این مهم دست یافت که تا وقتی در افکار و عقاید توده‌های مردم تحولی اساسی ایجاد نشود، دموکراسی اعطایی پایدار نخواهد ماند.^۲ مبارزه‌های سیاسی سید جمال و اندیشه‌های وی در خصوص مسائل ایران عصر ناصری، مانند سایر سرزمین‌های اسلامی، در عمل سیاسی او، از نقطهٔ خاصی عزیمت کرد و در اندیشهٔ سیاسی به مقصد مشابهی نائل گردید. این موضوع بیش از آن که گویای تناقض و تباین در عمل و اندیشهٔ وی باشد، پیوستگی آن‌ها را، نه تنها در ایران، بلکه در سایر سرزمین‌های اسلامی، و نه فقط در مبارزه با استبداد، بلکه در ستیز با استعمار نیز آشکار می‌کند.

بنابر این، شرایط سیاسی و تاریخی ایران در دورهٔ ناصری و پیچیدگی تحولات مربوط به آن، که سید جمال در مراحل مختلف حضورش در متن آن‌ها قرار گرفت، اندیشه‌های سیاسی او را در مسیر مبارزه با استبداد و در پیوند با واقعیت‌های موجود، دستخوش تغییرات و نوسانی نمود تا راه برای عمل سیاسی هموار گردد. اندیشهٔ سیاسی او، بر خلاف سپهسالار و ملک‌خان که شعار تمدن غرب را بدون دخالت ایرانی علم کردند، مبتنی بر مبارزه با استبداد شاه و استعمار انگلیس، با تکیه بر زمینه‌های بومی بود.^۳ عمل سیاسی سید جمال و شرایط تاریخی ایران متغیر مستقلی بود که نظرات سیاسی وی را در میدان مبارزه به عنوان یک متغیر وابسته، از قالب‌های خشک نظری و چارچوب‌های بستهٔ آن خارج می‌کرد. بنابر اظهارات مرتضی مطهری، نهضت سید جمال فکری و اجتماعی بود؛ او می‌خواست هم تغییرات اساسی در اندیشهٔ مسلمانان به وجود آورد و هم در زندگی اجتماعی آنان تحولی در مسیر رفاه و آسایش ایجاد

۱ مجتهدی، همان، صص ۳۰، ۴۷-۴۸.

۲ احمد امین‌آبی‌تا، *زعامة الاصلاح فی العصر الحديث*، بیروت: دارالکتب العربیه، ص ۱۲۴.

۳ مهدی بهار (۱۳۵۷)، *میراث‌خوار استعمار*، تهران: انتشارات امیر کبیر، ص ۵۰۶.

کند.^۱

دیدگاه‌های سید جمال در مسائل سیاسی ایران عصر ناصری و امور مربوط به مسلمانان، بیانگر مشی عمل‌گرایانه وی در مبارزه‌های سیاسی بود، که به اندیشه و عمل سیاسی او در بین نظریه‌پردازان و روشنفکران آن دوره اهمیت خاصی بخشیده است. شاید به همین دلیل اهمیتی فرا زمانی و فرا تاریخی یافت و سلسله‌جنبان سایر نهضت‌های اسلامی نه فقط در ایران بلکه در دیگر بلاد اسلامی شد. می‌توان گفت این هماهنگی اندیشه و عمل سیاسی وی در شرایط تاریخی آن روزگار ایران، مکمل یکدیگر بود تا پیش از پیش راه‌های تحقق آرمان‌هایش را فراهم کند. این موضوع را احمد امین به زیبایی چنین بیان کرده است: «دمیدن روح تازه در کالبد شرق تا با فرهنگ و علم و تربیت و دین زلال خویش به پاخیزد و عقاید خود را از انحرافات بپیراید و اخلاق و رسوم خویش را از پیرایه‌ها پاک سازد و بدین گونه شکوه‌مندی و عزت و جایگاه خود را باز به دست آورد».^۲

در مجموع، می‌توان گفت او همه چیز را وسیله تلقی می‌کرد: اسم و رسم، خط و ربط، دوست و دشمن، سلاطین و شاهان، روشنفکران شرق و غرب و حتی تشکیلاتی همچون فراماسونری، و عملاً هر وسیله‌ای را برای رسیدن به غایت مورد نظر خود صلاح و صواب می‌دانست. البته این تعبیر بدان معنی نیست که سید جمال معتقد بوده است هدف وسیله را توجیه می‌کند، بلکه منظور این است که از شرایط و ابزارهای گوناگون برای تحقق آرمان‌های سیاسی‌اش به خوبی استفاده می‌کرد.

اندیشه و عملکرد سیاسی سید جمال در نخستین دوره حضورش در ایران

ناصرالدین شاه در حالی که سید جمال‌الدین در پاریس اقامت داشت و با بزرگان آنجا حشر و نشر می‌کرد و مقام شامخی نزد آن‌ها به دست آورده بود، آوازه‌اش را شنید و تمایل خود را به ملاقات با او آشکار ساخت و طی تلگرافی او را به ایران دعوت کرد.^۳ این در حالی بود که بنابر اظهارات پیشین تفکر اصلاح و نهضت تنظیمات و تلاش برای تغییر شرایط، شاه قاجار را به شدت تحت فشار قرار داده بود. سید جمال برای اطلاع از امور ایران، دعوت شاه را اجابت

۱ مرتضی مطهری (۱۳۶۸)، نهضت‌های اسلامی صد ساله اخیر، تهران: انتشارات صدرا، ص ۱۷.

۲ امین، همان، ص ۱۲۴.

۳ مدرسی، همان، ص ۱۸۶.

کرد؛ او جایگاه شایسته‌ای نزد شاه یافت و به شدت مورد توجه وی قرار گرفت؛ به طوری که سید را بر تمام کسانش مقدم می‌داشت. حتی چنان که ناظم‌الاسلام کرمانی اظهار می‌دارد، وعدهٔ صدارت نیز به او داد. به گفتهٔ برخی پژوهشگران، این امر حسادت درباریان را برانگیخت.^۱ البته شاید نویسندهٔ مذکور در این باره اغراق کرده باشد. همچنین، دانش و بینش و تسلط جمال‌الدین بر علوم و سیاست و تاریخ، او را نزد علما مقام والایی بخشید، به طوری که شاه را نیز به هراس انداخت.^۲ اما امین‌الدوله در این باره می‌گوید: «چون در همان جلسهٔ اول در تنظیمات و اصلاحات و ضرورت وضع قانون مبحثی به میان آورد، به نظر شاه خوب جلوه نکرد».^۳

به نظر می‌رسد اندیشهٔ سیاسی سید جمال، در همین نخستین مرحلهٔ حضور در صحنهٔ سیاسی ایران، با بهره‌گیری از روش آزمون و خطا، به نقطهٔ عطف مهمی رسید. البته تجربهٔ میرزا تقی‌خان امیر کبیر نیز این اندیشه را در همان نخستین روزهای حضور و برخورد سید جمال با شاه و درباریان در او قوت بخشید که در ساختار استبدادی حکومت ایران، نمی‌توان بر عهد و پیمان شاه امید بست؛ زیرا همه چیز به حالات فردی و سعایت دیگران نزد او بستگی دارد. او با جرئت از لزوم اصلاحات و ترقی و تمدن و بر ضد استبداد سخن گفت.^۴ هیچ‌گونه ثباتی در تصمیم و ارادهٔ شاه وجود نداشت و او نمی‌توانست در چنین وضعیتی برنامه‌های بلندمدتش را اجرا کند. از این رو، صلاح خویش را در مهاجرت دید. او روحیات متزلزل شاهان و عدم اطمینان به آنان را در قالب شعری چنین سرود:

سوخت جان و نیم از دیو و دد ایرانی رخت بر بندم از [ین] ملک و به توران ببرم
 بروم خسته و رنجور و فکار و غمگین داد با تختگه حضرت سلطان ببرم
 گر نه سلطان بدهد داد دل غمگینم شکوهٔ این دل صد پاره به یزدان ببرم

۱ صفات‌الله‌جمالی اسدآبادی (۱۳۴۹)، اسناد و مدارک دربارهٔ سید جمال‌الدین اسدآبادی، به کوشش سید هادی خسروشاهی، قم: دارالتبلیغ اسلامی، ص ۲۱۳؛ سید هاشم محیط مافی (بازنویسی پرویز لوشانی) (۱۳۴۷)، گوشه‌های فاش نشده از تاریخ انقلاب ایران یا مبارزات ضد استعماری سید جمال‌الدین اسدآبادی، با مقدمهٔ سید هادی خسروشاهی، تهران: دارالعلم، صص ۱۰۳-۱۰۴.
 ۲ ناظم‌الاسلام کرمانی (۱۳۸۱)، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: انتشارات امیر کبیر، ج ۱، صص ۵۳-۵۴.
 ۳ میرزا علی خان امین‌الدوله (۱۳۷۰)، خاطرات سیاسی امین‌الدوله، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، زیر نظر ایرج افشار، تهران: انتشارات امیر کبیر، ص ۱۲۰.
 ۴ تقی‌زاده، همان، ص ۲۲.

ای یار پری چهره من، در تو وفا نیست ما را ز تو زین بیش دگر تاب جفا نیست...^۱

این مرحله از توقف او زیاد به طول نینجامید؛ او «هر چه بیشتر در تهران ماند، فساد احوال را روشن تر و آزرده گی جمهور را از سیاق امور بیشتر دید... با حریفان سخن بی پرده گفت؛ سوز دل هم به گرمی نفس او مدد کرد؛ خفتگان دل مرده و افسردگان آزرده را چشم و گوشی باز شد و از توده خاکستر دودی برخاست». ^۲ او به شاه گفت: «که من شمشیر برنده ای هستم در دست شما؛ مرا مقابل هر دولت که می خواهد به کار برید». به همین دلیل، علاوه بر درباریان فاسد، وزیر مختار انگلیس نیز از حضور او در ایران احساس نگرانی کرد و اقداماتش را مضر قلمداد نمود. ناصرالدین شاه هم که از جانب او نگران شده بود، به امین‌الضرب سفارش کرد که با پختگی، سید جمال را، به بهانه سرکشی به املاک، به مازندران ببرد و روانه خارج نماید.^۳

این اظهارات آشکار می سازد که طرفداران استبداد و درباریان فاسد، به اشاره استعمار انگلیس او را از ایران بیرون راندند. به همین دلیل، مبارزه با استبداد و استعمار در تفکر و عمل سیاسی سید جمال مورد توجه قرار گرفت. نظرات و اقدامات سید جمال در نخستین مرحله حضور در ایران، بیانگر این مهم است که او در خصوص اوضاع کشور به اصلاح امور از رأس حاکمیت دل بسته بود و به عبارتی، بذر افکارش را در سرزمین درباریان و نزد تاجران عمده^۴ پاشید و به منظور دور ماندن از خطرهایی که ممکن بود متوجه او شود، یا به سرنوشت اصلاح گرانی همچون، میرزا تقی امیرکبیر گرفتار گردد، به سرعت ایران را ترک کرد. با وجود این، همچنان امیدوار بود که اندیشه های اصلاحی اش به بار بنشیند و سرانجام بتواند شاه و درباریان را به سوی اصلاح امور سوق دهد.

نویسندگانی که اندیشه های سیاسی سید جمال را بدون توجه به مبارزات عملی او مورد بررسی قرار داده اند، در اظهار نظر درباره شخصیت او دچار تناقض شده اند. برخی مانند سید

۱ مجموعه اسناد و مدارک چاپ نشده در باره سید جمال الدین مشهور به افغانی (۱۳۴۲)، به کوشش اصغر مهدوی و ایرج افشار، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۸۱ (اشعار سید، منقول از دفتر اول، سند شماره ۱).

۲ امین الدوله، همان، ص ۱۲۱.

۳ همان، صص ۱۲۱-۱۲۲؛ مخبرالسلطنه، همان، ص ۸۵؛ مقایسه شود با محمد حسین امین الضرب ثانی، یادگار زندگانی، منقول در مجموعه اسناد و مدارک چاپ نشده درباره سید جمال الدین مشهور به افغانی، ص ۱۴۳؛ همچنین محمد حسن خان اعتمادالسلطنه (۱۳۸۵)، روزنامه خاطرات، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر، صص ۶۴۴-۷۰۶.

۴ «کلمات سید جمال اندکی به خاطر تجار و کسبه و ارباب عمانم ثبت شد و به مطالعه روزنامه های فارسی و عربی، که در خارج ایران طبع و منتشر می شد، رغبت خلق قوت گرفت.» (امین الدوله، همان، ص ۱۲۲).

جواد طباطبایی به صراحت بر سید جمال تاخته و حتی او را تا حد یک شارلاتان سیاسی پایین کشیده‌اند. به نظر او، جمال‌الدین و پیروان اصلاح‌طلب او دانشی ناچیز از تاریخ اسلام داشتند و فاقد اندیشه‌ای منسجم بودند. وی همچنین می‌افزاید که سخنان سید جمال در تهران موجب شد هوادارانی پیرو اصلاحات و نه اندیشه اتحاد اسلام، در بین طبقات بالای جامعه به دست آورد. در جای دیگر در شگفت است که چرا سید جمال، علی‌رغم این که در دانش و سلامت نفس به پای شیخ هادی نجم‌آبادی نمی‌رسید، شهرت بسیاری کسب نمود. سپس پرسد که چرا سید جمال با وجود دو بار سفر به ایران و تبلیغ اندیشه‌هایش، نتوانست توجه ایرانیان داخل را به خود جلب کند و طرفداران اندک او بیشتر در استانبول جمع شده بودند.^۱ اما خود به این سؤال‌های اساسی پاسخ نمی‌دهد که اگر سید جمال شهرت بسیار به دست آورد، اولاً چرا طرفداران وی در خارج اندک بوده‌اند؛ ثانیاً به چه دلیلی در ایران توجهی به وی نشد؛ ثالثاً اگر طرفدارانی در ایران به دست نیامدند و ناصرالدین شاه از جانب وی خطری احساس نکرد، به چه دلیل از ترس درباریان، او را از ایران اخراج کرد. بی‌توجهی به این سؤال‌ها شاید به این دلیل است که او اندیشه سیاسی سید جمال را برای رهایی ایران و جهان اسلام سطحی و فاقد اهمیت قلمداد می‌کند و به جای این که آن را در پیوند با عمل سیاسی وی و به صورت اقدام‌وار مورد توجه قرار دهد، جداگانه و به دور از واقعیت‌های مؤثر بر دیدگاه‌ها و عملکرد سیاسی او بررسی می‌کند. اما برخلاف این دیدگاه، او در این مرحله علاوه بر ارتباط با درباریان صاحب‌نام، در بیرون از حاکمیت نیز با اشخاص متنفذ و ثروتمندی - همچون امین‌الضرب - نشست و برخاست می‌کرد.^۲

از اقدام‌های او در این مرحله چنین برمی‌آید که اندیشه و عمل سیاسی سید جمال توأمان دو رویکرد متفاوت را به امید اصلاح امور ایران در بوتۀ آزمایش قرار داد: از یک طرف به شاه و افرادی مانند اعتمادالسلطنه و ظل‌السلطان نزدیک شد و ضرورت اصلاحات را به آنان

۱ سید جواد طباطبایی (۱۳۸۶)، *تأملی درباره ایران، نظریه حکومت قانون در ایران*، تبریز: انتشارات، ستوده، صص ۱۸۲-۱۸۴، ۱۸۷.

۲ خان ملک ساسانی در این باره نوشته است که او در مدت چهار ماه اقامت در تهران، در منزل امین‌الضرب اقامت گزید و از همین مکان مردم را به آزادی‌خواهی و مشروطه‌طلبی دعوت نمود. احمد خان ملک ساسانی (۱۳۷۹)، *سیاست‌گران دوره قاجار*، به کوشش سید مرتضی آل‌داود، تهران: انتشارات گلستان، ص ۲۱۱. همچنین، اسناد و نامه‌های بسیاری در باره رابطه نزدیک او با امین‌الضرب و رجال دیگر وجود دارد. در این باره رک: *مجموعه اسناد و مدارک چاپ نشده...*، به کوشش اصغر مهدوی و ایرج افشار.

متذکر گردید و از سوی دیگر از اصلاح‌گران غیرحکومتی و بیدار نمودن مردم نیز غفلت نورزید؛ گویی دو اندیشه متفاوت را با دو عمل سیاسی تمرین می‌کرد، شاید قصد داشت با وارد کردن فشار نیروهای اجتماعی و فکری بیرون از حاکمیت و تذکرات اصلاحی به نخبگان حاکم، راه برون‌رفت از وضعیت پیچیده سیاسی ایران را بیابد. در این مرحله، با کسب این تجربه‌ها و در پی تحریکات بدخواهان، به بهانه تغییر آب و هوا، ابتدا به مسکو و سپس به پترزبورگ رفت.^۱ در آنجا مقاله‌هایی در مورد سیاست ایران و بزرگان و چیزهای دیگری نگاشت. چنین به نظر می‌رسد که حضور مستقیم سید جمال در صحنه سیاسی ایران موجب شد پس از خروج از ایران، مطالبی را در خصوص اوضاع سیاسی ایران به رشته تحریر در آورد.

چالش اصلاح و انقلاب در اندیشه و عمل سیاسی سید جمال در آخرین دوره اقامتش در ایران

در سال ۱۸۸۹م بازار عمومی در پاریس گشایش یافت و سید جمال‌الدین به آنجا رفت و در مراجعت در مونیخ، ناصرالدین شاه را ملاقات نمود،^۲ و شاه مجدداً او را به ایران دعوت کرد. به محض ورود سید جمال به تهران، مردم بر گرد او حلقه زدند و او دوباره «با هر پخته و خام سخن از آغاز و انجام به میان می‌گذاشت، مفاسد اوضاع و قبايح احوال را شرح می‌کرد ... و بی‌پرده از سوء اداره و عدم تدبیر و غفلت شاه و وزیر می‌گفت».^۳ در ابتدا شاه نسبت به او نگرانی نداشت، بلکه در بسیاری از مسائل و امور مملکتی با او مشورت می‌کرد و نظرش را جویا می‌شد. حتی از او طرح اندیشه اصلاحات را می‌خواست؛ اما سید جمال به صراحت در پاسخ خود به شاه گفت: «هر وقت این مار و عقرب‌هایی که اطراف شما را گرفته‌اند دور شوند، در آن موقع داعی هم شروع به کار» خواهی کرد.^۴ اما در این دوره نیز درباریانی که منافع خود را در معرض خطر می‌دیدند، از جمله صدر اعظم - امین‌السلطان - از او نزد شاه بدگویی کردند. این اقدام‌ها دوباره موجبات بدگمانی شاه را از سید جمال فراهم نمود. سید جمال نیز چون اوضاع را چنین دید، با پای پیاده از تهران به حرم عبدالعظیم پناه برد و در آنجا هشت ماه اقامت گزید و مردم به دورش حلقه زدند. در آنجا میان مردم خطابه می‌خواند و

۱ تقی‌زاده، همان، ص ۲۳.

۲ امین‌الدوله، همان، ص ۱۳۲.

۳ همان، صص ۱۳۵-۱۳۶.

۴ لطف‌الله جمالی اسدآبادی (۱۳۵۶)، شرح حال و آثار سید جمال‌الدین اسدآبادی، معروف به افغانی، تهران: افست بر اساس

چاپ ۱۳۰۴ برلین)، سحر، ص ۱۳۰.

برای‌شان ضرورت اصلاحات مملکتی را بیان کرد. در پی این اقدام، شاه را از موقعیت خود به هراس افکند.^۱ از مهاجرت سید جمال به عبدالعظیم و اقدام وی در آنجا در پیوند با موضوع دیدگاه‌ها و عملکرد سیاسی او در تحولات آن روز ایران می‌توان دو نکته مهم را به قرار زیر دریافت کرد:

اولاً، روی گردانی او از شاه و اقامت در عبدالعظیم، به عنوان یک نماد مذهبی و مکان مردمی در مقابل دربار و درباریان، تأثیر عمده‌ای در تغییر اندیشه سیاسی و در پی آن عملکرد وی در مبارزه با استبداد ناصری و رویکرد او بر توده‌های مردم در این باره داشت.

ثانیاً، علی‌رغم تقابل وی با دربار و روی آوردنش به مردم، همچنان روح اصلاح‌گری از بالا بر افکارش غلبه داشت و مردم را به ساختار شکنی و روش‌های خشن در مبارزه علیه استبداد دعوت نمی‌نمود، بلکه بیداری مردم را عامل مهمی در اصلاح امور می‌دانست. به عبارتی، چون موفق نشده بود شاه و درباریان را از خواب غفلت و غرور ناشی از قدرت بیدار کند و به سوی اصلاحات سوق دهد، تصمیم گرفت این مهم را با بیداری مردم و فشار بر حاکمیت از سوی توده‌ها به انجام برساند.

بنابر این، او در این مرحله، از اصلاحات درون حکومتی ناامید شد و به امید پیشبرد اصلاحات از بیرون، به مردم روی آورد. در این میان افکار جدید از طریق انتشار جراید و شبکه‌های روشنفکری و انجمن‌های آزادی‌خواهی رو به افزایش گذاشته و سلطه استعمارگران روسیه و انگلستان نیز مزید بر علت شده بود. همه این عوامل، نارضایتی‌های عمومی را به صورت آتشی در زیر خاکستر در آورده بود. در این شرایط پیچیده، برخی از درباریان - مانند امین‌السلطان - حضور او را به عنوان ابزاری برای مقاصد سیاسی خود به کار می‌گرفتند.^۲ چنین به نظر می‌رسد که در این دوره عملاً هر چه از حضور او در ایران می‌گذشت، بیشتر از دربار و شاه فاصله می‌گرفت و به سوی توده‌های مردم روی می‌آورد و صراحت بیشتری در بیان دیدگاهش به چشم می‌خورد. نظرات او نشانگر این واقعیت مهم بود که ساختار سیاسی ایران و در رأس آن شخص شاه مانع عمده‌ای در راه پیشبرد اصلاحات به شمار می‌آمد. از آن پس شخص شاه را مستقیماً مورد انتقاد قرار می‌داد و چنین عبارتهایی را با جسارت بر زبان جاری

۱ ناظم‌الاسلام، همان، ج ۱، ص ۵۴؛ همچنین، رک: مهدی بامداد (۱۳۷۸)، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، ج ۱، تهران: انتشارات زوار، ذیل کلمه جمال‌الدین، ص ۲۷۴.

۲ همان، ص ۵۹.

می‌نمود: «شاه ظالم است، شاه ملت فروش است، بیت‌المال مسلمین کو؟ و...»^۱

از فعالیت‌های سیاسی سید جمال‌الدین در عرصه‌های نظری و عملی چنین بر می‌آید که او با تجربه‌های ارزشمند سفر پیشین به ایران و آگاهی از حسادت و کارشکنی درباریان در راه اصلاحات، این بار تصمیم گرفت کانون‌های جدیدی را علیه شاه و دربار در بیرون از حاکمیت راه‌اندازی کند و مستقیماً شاه و ساختار حکومتش را مورد حمله قرار دهد. به بیان دیگر، اندیشه اصلاح ساختار سیاسی قاجاریه در دیدگاه‌های سید جمال‌الدین، با روش آزمون و خطا رنگ باخت و جای خود را به ساختار شکنی داد، که البته بازتابی از تحولات آن روز ایران نیز بود. آنچه سبب گردید اندیشه‌های او در دوره اقامت در عبدالعظیم جاذبه بیشتری برای مردم ایران داشته باشد و افراد زیادی را بر گرد او جمع کند، بیان دیدگاهش از پایگاه ظلم ستیزی اسلام و بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی بود.^۲ تا آخرین لحظه‌های حضور در ایران، مبارزه با شاه و سلطنت، قانون‌خواهی و حیطی، اندیشه و عمل سیاسی او را به خود مشغول ساخته بود.^۳ در این مرحله، بر خلاف مرحله اول، سید جمال با افراد و گروه‌های سیاسی و انجمن‌های فکری و رادیکالی که حکومت ناصری را مظهر انحطاط و فساد تلقی می‌کردند، رابطه برقرار کرد. اندیشه‌ها و الگوهای عملی او در مبارزه با استبداد و خودکامگی تا پیروزی انقلاب مشروطیت سرمشق روحانیان و مبارزانی شد که در این عرصه گام برمی‌داشتند.^۴ این شیوه مبارزه، او را در مقایسه با سایر روشنفکران در محافل گوناگون برجسته ساخت و دربار ایران را به وحشت زیادی افکند.

بیدارگری و سخنان تحریک‌آمیز سید جمال در میان مردم موجب شد امین‌السلطان علیه او نزد شاه بدگویی کند و او را از سید جمال بترساند؛ از جمله به شاه گفت: او عن‌قرب دولت ایران را به جمهوری تغییر خواهد داد؛ تا آن که در نهایت، شاه ضمن دستخطی تبعید او را از ایران صادر کرد.^۵

۱ در این باره امین‌السلطان می‌کوشید از حضور سید به عنوان وسیله‌ای در برابر روحانیان مخالف خود استفاده کند و به دنیا نیز نشان دهد که اصلاحات را تحت رهبری یک مسلمان صاحب‌نام انجام می‌دهد. به همین دلیل، سید تهران را ترک نمود. رک: پیتراوری (۱۳۶۳)، تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، ج ۲، تهران: انتشارات عطایی، ص ۴۰.

۲ درباره شناخت سید جمال از قرآن، رک: رحمانیان، «سید جمال و قرآن»، سید جمال‌الدین...، صص ۷-۱۴.

۳ مقایسه شود با صدر و اتقی، همان، صص ۱۴۵-۱۴۶.

۴ محمد محیط طباطبایی (۱۳۸۹)، سید جمال‌الدین اسدآبادی و بیداری مشرق زمین، تهران: کلبه شرق / نشر سماط، ص ۸۹.

۵ ناظم‌الاسلام، همان، ص ۶۲؛ مقایسه شود با امین‌الدوله، همان، صص ۱۴۲-۱۴۳.

سید جمال پس از اخراج از ایران، به بصره وارد شد و در آنجا در جریان جنبش سیاسی-مذهبی تنباکو،^۱ نقش عمده‌ای ایفا نمود که با همکاری یکی از رهبران مذهبی قیام-سید علی اکبر شیرازی- نامه‌ای به آیت‌الله سید حسن شیرازی نوشت و در آن مظالم شاه را با ذکر مصداق‌هایی متذکر گردید.^۲ برخی معتقدند ارسال این نامه در صدور فتوای مشهور تحریم تنباکو نقش بسزایی ایفا نموده است.

در نهایت، می‌توان گفت که زندگی سیاسی سید جمال در ایران و سایر کشورهای اسلامی او را در زمره اندیشمندان و مبارزانی قرار می‌دهد که آرمان‌ها و اندیشه‌های سیاسی خود را از تنگناها و شرایط موجود عبور داد و دیدگاه‌هایش را برپایه واقعیت‌های زمانه تعدیل و تلطیف نمود؛ از این رو، او قهرمانی بود که مرزهای میان اندیشه و عمل را درنوردید.

تأثیر اندیشه‌های سیاسی سید جمال‌الدین بر قتل ناصرالدین شاه

بنا بر آنچه تاکنون در باره اندیشه و عملکرد سیاسی سید جمال بیان گردید، دیدگاه‌های سیاسی سید جمال را در خصوص تحولات ایران، به ترتیب ورود و حضورش در رویدادها، می‌توان به سه مرحله مشخص به قرار زیر تقسیم نمود:

۱. حشر و نشر با شاه و دربار قاجار، به امید اصلاح امور از درون حکومت.
 ۲. روی گردانی از شاه و دربار و روی آوردن به مردم، با استقرار در عبدالعظیم، با انگیزه بیدارگری و تقویت جنبش اصلاحات از بیرون حاکمیت.
 ۳. ناامیدی از اصلاح ساختار استبدادی حکومت قاجار و روی آوردن به اندیشه انقلاب و حاکمیت قانون و تلاش برای شکستن ساختار حکومت فردی.
- چنین به نظر می‌رسد که سید جمال در آخرین مرحله از زندگی فکری و سیاسی خود، اندیشه انقلاب و تغییر بنیادی در ساختار سیاسی حکومت قاجار را در صدر اقدام خود قرار

۱ این قیام به علت واگذاری و انحصار امتیاز توتون و تنباکوی ایران به مدت ۵۰ سال، در مقابل پرداخت ۱۵۰۰۰ لیره، به کمپانی رژی و با فتوای تحریم تنباکو از سوی آیت‌الله میرزای شیرازی آغاز گشت.

۲ رک: سید هادی خسروشاهی (به کوشش) (۱۳۷۹)، سید جمال‌الدین الحسینی اسدآبادی، نامه‌ها و اسناد سیاسی-تاریخی، تهران- قم: انتشارات شروق؛ تقی‌زاده، همان، ص ۲۶؛ صفات‌الله جمالی، همان، صص ۶۵-۹۸. در کتاب اخیر متن عربی و ترجمه دو نامه سید جمال به میرزای شیرازی و روحانیان آمده است (صص ۱۹۴-۱۹۸)؛ لطف‌الله جمالی، همان، صص ۵۴-۵۹؛ صدر واتی، صص ۲۲۲-۲۳۰؛ محمد رضا حکیمی (۱۳۵۶)، بیدارگران اقلیم قبله، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۴۶.

داد. وی این چرخش مهم را که حاصل سالیان متمادی اندیشه‌ورزی و مبارزه‌جویی در عرصه سیاسی بود، در نامه‌ای به یکی از دوستان خود چنین بیان کرده است: «افسوس می‌خورم از این که کشت‌های خود را ندرویدم و به آروزیی که داشتم کاملاً نائل نگردیدم؛ شمشیر شقاوت نگذاشت بیداری ملل شرق را بینم؛ دست جهالت فرصت نداد صدای آزادی از حلقوم امم مشرق بشنوم. ای کاش من تمام تخم افکار خود را در مزرعه مستعد افکار ملت کاشته بودم! چه خوش بود تخم‌های بارور مفید خود را در زمین شوره‌زار از سلطنت فاسد نمی‌نمودم. آنچه در آن مزرعه کاشتم به نمو رسید، هرچه در این مزرعه کویر غرس نمودم فاسد گردید. در این صورت، هیچ یک از تکالیف خیر خواهانه من به گوش سلاطین مشرق فرو نرفت، همه را شهوت و جهالت مانع از قبول گشت. امیدواری‌ها به ایران بود، اجر زحماتم را به فراش غضب حواله کردند، با هزاران وعده و وعید به ترکیا احضارم کردند...»^۱

سید جمال در ادامه همین مکتوب از دوست خود می‌خواهد که مطالب این آخرین نامه را به اطلاع مبارزان ایرانی برساند و به آن‌ها شفاهی بگوید که شما میوه رسیده ایران هستید و باید برای بیداری جامعه ایرانی بکوشید و در این راه از هیچ مانعی نترسید، که پیروزی نزدیک است و سرانجام سیل تجدد و سرعت پیشرفت، بنیاد حکومت مطلقه را منهدم خواهد ساخت. در خاتمه توصیه می‌کند تا می‌توانید با فساد حکومت مطلقه مبارزه کنید، نه این که نیروی خود را تنها به قلع و قمع اشخاص تلف نمایید.^۲ اندیشه سید جمال در این مکتوب و در آخرین مرحله از حیات سیاسی‌اش به دو دلیل حائز اهمیت بسیار است:

اولاً، به لحاظ این که در آخرین سال‌های عمر مبارزات سیاسی وی اظهار شده، از صافی و مبادی چندین سال کوشش در ایران گذر کرده و پالایش شده است. بنابر این، می‌توان گفت اندیشه و عمل سیاسی وی با یکدیگر پیوندی ناگسستنی یافته است.

ثانیاً، از ایرانیان می‌خواهد که صرفاً با اشخاص دست اندر کار حکومت مبارزه نکنند، بلکه بکوشند نهاد استبداد را از میان بردارند و ماهیت آن را از بنیاد تغییر دهند؛ در غیر این صورت، وقت آن‌ها تلف خواهد شد. دستیابی به چنین نتیجه‌ای، در سوق دادن مبارزه‌های سیاسی ایرانیان به سوی انقلاب نقش عمده‌ای ایفا نمود.

۱ ناظم‌الاسلام، همان، ص ۶۷. گر چه برخی در صحت انتساب این نامه به سید جمال تردید کرده‌اند، اما شیوه و اسلوب نامه به اندیشه و عمل او بسیار نزدیک است.

۲ همان، ص ۸۹.

صرف نظر از بررسی این موضوع که آیا سید جمال مستقیماً در قتل ناصرالدین شاه دست داشته یا نه، به نظر می‌رسد که حاکم شدن اندیشه انقلابی در سومین و آخرین مرحله از حیات فکری و سیاسی او در خصوص مسائل ایران، محرک مهمی در قتل شاه قاجار، توسط میرزا رضای کرمانی از مریدان خاص وی، بوده است. گزارش پلیس اسلامبول به سلطان عثمانی در پی قتل ناصرالدین شاه، گویای همین واقعیت است. در این گزارش چنین آمده: «سید جمال‌الدین ایرانی است و میرزا رضا به تحریک او به ایران رفته و مرتکب قتل شده است».^۱

روزنامه فرانکفورت ترزتیونک در ۱۳ ذی‌قعدة سال ۱۳۱۳ هـ.ق متن نامه‌های بسیار مهم و تأمل‌برانگیزی را در اتاق ناصرالدین شاه و شاهزادگان فاش می‌سازد که صاحبان این نامه‌ها خواهان اصلاحات هستند و در آن‌ها خطاب به شاه و درباریان نوشته‌اند که این مکتوب را شما در اتاق خودتان می‌یابید و بدانید که کاغدنویسان به دربار شما راه دارند و چنانچه جریان اصلاحات از سوی شما با مانع مواجه شود، در آن صورت قتل شما برای ما بسیار آسان خواهد بود. البته پس از یافتن این نامه‌ها، بررسی‌هایی صورت گرفت و معلوم شد که در این ماجرا ده نفر از مریدان سید جمال دست داشته‌اند و میرزا رضا کرمانی یکی از این افراد بوده است.^۲

صرف نظر از صحت و سقم و کم و کیف این نامه‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که قتل ناصرالدین شاه در شرایطی صورت گرفت که فکر اصلاح حکومت از اندیشه سیاسی سید جمال و مریدانش رخت بر بست و آنان تنها راه چاره امور را در کشتن شاه دانستند. چنین به نظر می‌رسد که سید جمال‌الدین در نظر و عمل رهبری جریانی را عهده‌دار بود که ابتدا مشی اصلاح مسالمت‌آمیز را تعقیب می‌کرد. این جریان تا مدتی امیدوار بود جنبش اصلاح حکومت با روش مسالمت و غیر انقلابی به پیروزی برسد؛ به همین دلیل، تهدید کرده بود اگر به خواست آن‌ها توجه نشود، شاه را خواهند کشت.

سید جمال در حضور مجمعی از سفرا در پاسخ به سفیر ایران که او را متهم کرد که اقدام میرزا رضا در قتل ناصرالدین شاه به تحریک او بوده است، نقش خود را در این ماجرا چنین توضیح داد: «من نگفتم میرزا رضا! ناصرالدین شاه را بکش، بلکه گفتم ایران آباد نمی‌شود، مگر به قطع ریشه شجره خبیثه استبداد».^۳ بنابراین، چنین به نظر می‌رسد که در دوره تبعید سید

۱ خان ملک ساسانی، همان، ص ۲۳۰.

۲ همان، ص ۲۳۰.

۳ ناظم‌الاسلام، همان، ص ۶۳.

جمال، اندیشه مشروطه‌خواهی و جمهوریت دغدغه اصلی او بود؛ و طبیعی است که تفکرات سیاسی او در خصوص ریشه کن کردن استبداد، به عنوان راه حل نهایی مشکلات ایران، در آن دوره نقش بسزایی در قتل ناصرالدین شاه ایفا نموده باشد. ناگفته پیداست که در پی این ترور، تلاش برای تغییر در ساختار استبدادی حکومت و برقراری دولت مشروطه شتاب بسیار گرفت.

نتیجه‌گیری

در عهد ناصری بحران‌های سیاسی و اقتصادی ایران رو به فزونی گذاشت. افزایش آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی در این دوره، حکومت قاجاری را از سوی محافل فکری و سیاسی، به منظور پاره‌ای اصلاحات سیاسی و اجتماعی، تحت فشار قرار داد. اوج این مناقشه‌ها و مبارزه‌ها در جنبش تنباکو متجلی گردید و حکومت ناصری را با چالش‌های عمیقی مواجه نمود. وابستگی ساختار سیاسی ایران به نظام استعماری غرب در جنبه‌های مختلف آن، باعث گردید مقابله با استبداد داخلی و نظام استعماری خارجی در کانون توجه خیزش‌های اجتماعی و رهبران فکری آن‌ها قرار گیرد. سید جمال در چنین فضای متلاطمی، به دعوت ناصرالدین شاه وارد ایران شد. او با تأثیر و تأثر جریان‌های اصلاحی از درون و بیرون نظام سیاسی قاجار و کسب تجربه عملی از تلاش‌های سیاسی خود در ایران، سه روش مشخص را در دوره‌های مبارزه‌اش در پیش گرفت که می‌توان گفت تحلیل‌های گوناگون درباره شخصیت فکری و سیاسی او، ناشی از بی‌توجهی به همین مراحل اندیشه و عمل سیاسی وی در دوره مبارزات اوست.

نخست به امید تأثیرگذاری بر شاه و اصلاح امور، به دربار ناصرالدین شاه نزدیک شد و با پند و اندرز کوشید اندیشه‌های اصلاحی خود را محقق سازد. اما این اندیشه‌ها در عمل با ناکامی مواجه گردید؛ زیرا با ساختار استبدادی حکومت ناصرالدین شاه و منافع نامشروع درباریان در تضاد بود. در نتیجه، سید جمال در مرحله دوم مبارزات، به محافل فکری و سیاسی خارج از حکومت نزدیک شد؛ تا با فشار از بیرون حاکمیت، اندیشه اصلاحات را بر حکومت قاجاری تحمیل نماید. در نهایت، با اخراج او از ایران، همزمان با جنبش تنباکو، وی در مرحله سوم از اصلاحات از طریق درون و بیرون حکومت ناامید شد و به جانب اندیشه و عمل انقلابی تمایل یافت. ثمره این مرحله در خارج از ایران، ایجاد جنبش بیداری اسلامی در ابعاد فرهنگی-اجتماعی، از سرزمین مصر و نشر رو به تزاید آن به سایر کشورهای اسلامی

خاورمیانه بود. ارتباط میرزا رضای کرمانی با سید جمال، در قتل ناصرالدین شاه، می‌تواند شاهدهی بر این مدعا باشد.

منابع و مأخذ

الف. فارسی

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۸۳)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی / محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۱)، اندیشه ترقی و حکومت قانون (عصر سپهسالار)، تهران: انتشارات خوارزمی.
- آوری، پیتر (۱۳۶۳)، تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی مهر آبادی، تهران: انتشارات عطایی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۸۵)، روزنامه خاطرات، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- امین، احمد [بی‌تا]، زعماء الاصلاح فی الحصر الحدیث، بیروت: دارالکتب العربیه.
- امین‌الدوله، میرزا علی‌خان (۱۳۷۰)، خاطرات سیاسی امین‌الدوله، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، زیر نظر ایرج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بامداد، مهدی (۱۳۷۸)، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، ج ۱، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۸، ذیل کلمه جمال‌الدین.
- بهار، مهدی (۱۳۵۷)، میراث خوار استعمار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- تقی‌زاده، سید حسن / سدیدالسلطنه (تکمله) (۱۳۴۸)، سید جمال‌الدین اسدآبادی معروف به افغانی، تبریز: انتشارات سروش.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۶۳)، عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات، تهران: انتشارات اقبال.
- جمالی اسدآبادی، صفات الله (۱۳۴۹)، اسناد و مدارک درباره سید جمال‌الدین اسدآبادی، به کوشش سید هادی خسروشاهی، قم: دارالتبلیغ اسلامی.
- جمالی اسدآبادی، میرزا لطف‌الله خان (۱۳۵۶)، شرح حال و آثار سید جمال‌الدین اسدآبادی معروف به افغانی، تهران: افست بر اساس چاپ ۱۳۰۴ برلین، سحر.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۸)، ایران و جهان اسلام، پژوهش‌های تاریخی پیرامون چهره‌ها، اندیشه‌ها و جنبش‌ها، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- حکیمی، محمد رضا (۱۳۵۶)، بیدارگران اقالیم قبله، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۷۱)، تاریخ نهضت‌های دینی - سیاسی معاصر، تهران: انتشارات بهیانی.
- خان ملک ساسانی، احمد (۱۳۷۹)، سیاستگران دوره قاجار، به کوشش سید مرتضی آل‌داود، تهران: انتشارات گلستان.

- خسروشاهی، سید هادی (به کوشش) (۱۳۷۹)، سید جمال‌الدین الحسینی اسدآبادی، نامه‌ها و اسناد سیاسی-تاریخی، تهران-قم: انتشارات شروق.
- رحمانیان، داریوش (۱۳۸۸)، تاریخ تفکر سیاسی در دوره قاجاریه، تهران: انتشارات پیام نور.
- ---- (۱۳۸۲)، تاریخ علت‌شناسی و انحطاط ایرانیان و مسلمین، تبریز: مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی-انسانی دانشگاه تبریز.
- ---- (۱۳۸۷)، سید جمال‌الدین اسدآبادی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- زارعی مهرورز، عباس (۱۳۸۸)، «سید جمال‌الدین اسدآبادی و نهضت بیداری فکری اسلامی»، آرا و اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی، به کوشش بهرام نوازنی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- طباطبایی، سید جواد (۱۳۸۶)، تأملی درباره ایران، نظریه حکومت قانون در ایران، تبریز: انتشارات ستوده.
- عنایت، حمید (۱۳۶۲)، تفکر نوین سیاسی اسلام، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کرزن، ج. ن (۱۳۷۳)، ایران و قضیه ایران، ج ۲، ترجمه غلام‌علی وحید مازندرانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۸۱)، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مجتهدی، کریم (۱۳۶۳)، سید جمال‌الدین و تفکر جدید، تهران: نشر تاریخ ایران.
- محیط طباطبایی، محمد (۱۳۸۰)، سید جمال‌الدین اسدآبادی و بیداری مشرق زمین، تهران: کلبه شرق / نشر سماط.
- محیط مافی، سید هاشم (بازنویسی پرویز لوشانی) (۱۳۴۷)، گوشه‌های فاش نشده از تاریخ انقلاب ایران یا مبارزات ضد استعماری سید جمال‌الدین اسدآبادی، با مقدمه سید هادی خسروشاهی، تهران: دارالعلم.
- مدرسی، مرتضی (۱۳۵۳)، سید جمال‌الدین و اندیشه‌های او، تهران: انتشارات پرستو.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴)، شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه از آقا محمد خان تا آخر ناصرالدین شاه)، تهران: انتشارات زوار.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، نهضت‌های اسلامی صد ساله اخیر، تهران: انتشارات صدرا.
- مهدوی، اصغر / ایرج افشار (به کوشش) (۱۳۴۲)، مجموعه اسناد و مدارک چاپ شده در باره سید جمال‌الدین مشهور به افغانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- میلانی، عباس (۱۳۸۷)، تجدد و تجددستیزی در ایران، تهران: نشر آتیه.
- واتقی، صدر (۱۳۵۵)، سید جمال‌الدین حسینی پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی، تهران: انتشارات پیام.
- هدایت، مهدی‌قلی (مخبر السلطنه) (۱۳۶۳)، خاطرات و خطرات، تهران: انتشارات زوار.

ب. روزنامه‌ها

- قانون (۱۳۶۹)، تهران: انتشارات امیرکبیر.

ج. لاتین

- Keddie, Nikki R(1983), "Sayyid Jamal al-Din al-Afghani: A Bibliography", Los Angeles: University of California, Los Angeles.
- [http://www.academicroom.com/bibliography\(2012\)/sayyid-jamal-al-din-al-afghani-bibliography](http://www.academicroom.com/bibliography(2012)/sayyid-jamal-al-din-al-afghani-bibliography) .
- ---- (1983), *An Islamic Response to Imperialism: Political and Religious Writings of Sayyid Jamāl ad-Dīn "al-Afghānī*, Berkeley: University of California Press.
- Pakdaman, Homa(1969), *Djamal-ed-Din Assad Abadi dit Afghani*, Paris: G.-P. Maisonneuve et Larose.

